



Global Storybooks

globalstorybooks.net

پښتانه کورنۍ داسې وایي چې

Nicola Rijdsdijk

Maya Marshak

Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakh-

e Danesh Library)



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پښتانه

پښتانه کورنۍ داسې وایي چې



Nicola Rijdsdijk

Maya Marshak

Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakh-

e Danesh Library)

3

پښتانه



در روستایی روی سرازیری کوه کنیا در شرق
آفریقا، دختر کوچکی با مادرش روی زمینی کلر
می کرد. اسم آن دختر وانگاری بود.

می‌کشید و روی آن را با خاک می‌پوشانید.
 می‌کشید. او دانه‌های کوچک را در زیر جای گرم فرو
 می‌شاند، با خاک بزرگ جود جای را زیر و رو
 جانورانی که محصولات غذایی کشت
 و انگاری از بیرون بودن می‌برد. دریا غنچه‌ای





بهترین زمان مورد علاقه ی او در طول روز، زمان غروب بود. زمانی که خیلی تاریک می شد و نمی شد گیاهان را دید، وانگاری می دانست که دیگر باید به خانه برگردد. او از کنار رودخانه ها و مسیرهای باریکی که در بین زمین های کشاورزی بود، می گذشت.

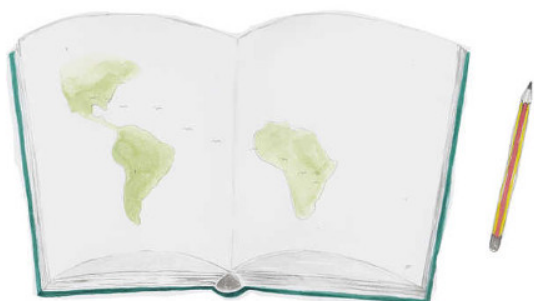
وانگاری در سال 2011 از دنیا رفت، ولی ما هر وقت که به یک درخت زیبا نگاه می کنیم، به یاد او می افتیم.

وانگاری سخنت کرد کرده بود. مردم سراسر دنیا
میخواه میوه این موضوع شدند، و نه او یک خائزگی
و خائزگی بود. آن خائزگی، خائزگی صلح بود و نه
او اولین زن آفریقایی بود که آن را دریافت
می کرد.



وانگاری کودکی باهوشی بود و نمی توانست برای
به مکتب رفتن صبر کند. ولی، مادر و پدرش
می خواستند که او بخواند و نه آن خانه که
پدر بزرگش، پدر هفت ساله شد. برادر بزرگش، پدر
و مادرش را وادار کرد که به او اجازه بدهند مکتب
برود.





او به یادگیری علاقه داشت! وانگاری با خواندن هر کتاب مطالب بیشتر و بیشتری یاد گرفت. او در مکتب عالی بود، به طوری که برای ادامه تحصیل به ایالات متحد آمریکا دعوت شد. وانگاری هیجان زده بود! او می خواست که بیشتر در مورد دنیا بداند.

همچنان که زمان می گذشت، درخت های جدید در جنگل ها رشد کردند، و رودخانه ها دوباره جاری شدند. پیام وانگاری در سرتاسر آفریقا پیچید. امروز میلیون ها درخت از بذره های وانگاری رشد کرده اند.

تیرور مندی کیند.

هوانگاری به و انگریز و
 می کربند. زبانی جنگی جوشه لی بوند. و انگریز به
 استیفاده از جانشینان شاهان استیفاده
 می کربند. زبانی جنگی جوشه لی بوند. و انگریز به
 استیفاده از جانشینان شاهان استیفاده از دانه ه
 و انگریز می دانست که چه کار کند. او به زبانی تاد



کتیا با پیران پیش با زنی می کرد.

جنگی زبانی جنگی جوشه لی بوند. و انگریز به
 استیفاده از جانشینان شاهان استیفاده از دانه ه
 و انگریز می دانست که چه کار کند. او به زبانی تاد
 می کربند. زبانی جنگی جوشه لی بوند. و انگریز به
 استیفاده از جانشینان شاهان استیفاده از دانه ه
 و انگریز می دانست که چه کار کند. او به زبانی تاد





هر چه بیشتر یاد می‌گرفت، بیشتر می‌فهمید که
چقدر مردم کنیا را دوست دارد. او می‌خواست که
مردم شاد و آزاد باشند. هر چه بیشتر یاد
می‌گرفت، بیشتر خانه‌ی آفریقایی‌اش را به یاد
می‌آورد.



وقتی که تحصیلاتش به پایان رسید، به کنیا
برگشت. ولی شهرش تغییر کرده بود. مزرعه‌های
خیلی بزرگ روی زمین گسترده شده بودند. زن‌ها
دیگر هیزم برای آشپزی نداشتند. مردم فقیر بودند
و کودکان گرسنه.